

مسیح هندوستان

(جستاری در آراء فکری و مواضع اجتماعی - سیاسی فرقه احمدیه)

مجتبی اعتمادی نیا، دانش آموخته علوم قرآن و روادی ۷۷ و دانشجوی کارشناسی ارشد دین شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب قم
etemadinia@gmail.com
kelkesheida@yahoo.com

احسان احمدی، محقق و نویسنده

چکیده

«احمدیه» انشعابی منحصر به فرد از اسلام است که تحت رهبری و تعالیم میرزا غلام احمد (۱۹۰۸-۱۸۳۵م) از اهالی دهکده قادیان (Qadian) یکی از روستاهای شهر گرداس پور در ایالت پنجاب هند نشئت گرفته است. این جنبش فکری و اجتماعی که التزام به نوعی همزیستی مسالمت آمیز با پیروان سایر ادیان و مکاتب از شاخصه‌های اصلی آن به شمار می‌رود، در قرن نوزدهم میلادی در زمان سلطه انگلیس بر هند پدید آمد و هسته اصلی اندیشه آن، مبتنی بر نوع خاصی از پیامبر شناسی است. پیروان احمدیه (که همچنین قادیانی و کمتر میرزایی نیز نامیده شده‌اند) برای مؤسس خود، شأن پیامبرانه و مسیحایی قائلند. آنان بر این عقیده‌اند که غلام احمد یک پیامبر تبلیغی و مصلح منتظر و مجدد قرن چهاردهم اسلامی، مهدی و مسیح موعود و همچنین دهمین تجسم ویشنو، (۱) خدای هندو است. آنها مسلمانان غیر احمدی (که احمدیه را کافر محسوب می‌کنند) را کافر می‌دانند و در چهار موضوع زنده بودن عیسی بن مریم، جهاد، مهدویت و خاتمیت پیامبر اسلام (ص)، عقاید آنها مخالفت تام با عقاید مورد قبول سایر مسلمانان دارد و از این رو بارها از جانب قاطبه مذاهب اسلامی مورد تکفیر واقع شده‌اند. پیروان چنددهه میلیونی این فرقه، به نحو گسترده و جدی در دهه‌های اخیر به تبلیغ و ترویج باورهای خود در سراسر جهان پرداخته‌اند و تاکنون به عنوان نمایندگان اسلام حقیقی، آثار معتابیهی در قالب کتاب، مجله و پایگاههای اطلاع رسانی عرضه نموده‌اند. این نوشتار می‌کوشد تا با نگاهی به تاریخ پیدایش و نشو و نماي این جریان، تاریخ اجتماعی و فرهنگی و نیز مهم‌ترین معتقدات این فرقه را محل بحث و بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: احمدیه، غلام احمد قادیانی، انشعاب لاهوریه، خاتمیت، مسیح شناسی، مهدویت، جهاد.

پیشینه بحث

علی‌رغم آثار معدودی که تاکنون درباره مواضع فکری، سیاسی و اجتماعی این فرقه به فارسی نگاشته شده است، (۲) این نوشتار ضمن ملاحظه این آثار، کوشیده است تا در اغلب موارد با مراجعه به آثار بنیان‌گذاران این فرقه به ویژه مؤسس آن، غلام احمد قادیانی، معتقدات آنان را از متن اصلی آثار ایشان استخراج نماید.

نوشتار حاضر ضمن احصای مهم‌ترین وجوه اختلاف این فرقه با معتقدات سایر مسلمانان در ذیل چهار سرفصل پیش‌گفته، به طور خاص در باب اعتقادات بنیان‌گذار این فرقه درباره سرانجام عیسی بن مریم (ع)، خاتمیت و ظهور مهدی (عج) و دیدگاه وی نسبت به سلطه استعمار انگلیس در هند، از رهگذر استناد به متن آثار او ابعاد تازه‌ای را فراروی محققان می‌گسترده.

علاوه بر این، این نوشتار در مقایسه با آثاری که پیش از این به رشته تحریر درآمده است، مأخذشناسی جامعی از آثار نوشتاری مدافعان این فرقه در قالب کتب و مجلات و نیز پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مروج باورهای آنان، ارائه می‌دهد و با مروری بر فعالیتهای فرهنگی - اجتماعی پیروان این فرقه در دهه‌های اخیر و ارائه فهرستی از آثار مفید در بررسی انتقادی مواضع فکری - سیاسی و اجتماعی آنان، از سایر مقالاتی که پیش از این در این باره به رشته تحریر درآمده است، تمایز می‌یابد.

۱) تاریخ شکل‌گیری نظام باورها و تشکیلات سازمانی

میرزا غلام احمد به عنوان یک مفسر برجسته و مبارز اسلامی، با انتشار اثر چهار جلدی خود با عنوان «براهین احمدیه» (۳) در اوایل سال ۱۸۸۰م به شهرت رسید. پنجاب در این برهه از زمان، بر اثر فشار حکومت بریتانیا در راستای فرنگی‌مآبی (Westernizing) و ترویج آموزه‌های مسیحیت (Christianizing)، در حال از سر گذراندن تجربه طغیان دوباره یک نژادپرستی دینی بود. در این دوران، شماری از نهضت‌های اصلاحی در میان جوامع هندو، سیک و مسلمان پدیدار شدند که در راستای دفاع از ارزش‌های دینی خودشان و حذف آنچه که مصلحان، آن را رشد فرهنگی غیراصیل تلقی می‌نمودند، حرکت می‌کردند. ایالت پنجاب در دو دهه پایانی قرن نوزدهم، عرصه رقابت شدید اجتماعی بوده است. (۴)

در این شرایط سیاسی - اجتماعی، غلام احمد قادیانی که

از عالمان برجسته عصر خود در ایالت پنجاب به شمار می‌رفت و در آن دوران قدم در میان‌سالی گذارده بود، با انتشار مقاله‌ای، مدعی ارتباط با خداوند از طریق وحی شد؛ رابطه‌ای که اندکی بعد با این ادعا که او مهدی و مسیح موعود است، همراه شد و او را مبدل به یکی از جنجالی‌ترین شخصیت‌های دوران خود نمود و به این ترتیب جمع زیادی از مردم شبه قاره در پی این ادعاهای کاریزماتیک (۵) در سلک پیروان و ارادتمندان او درآمدند.

هنگامی که غلام احمد نگاشته‌هایی را که مدعی وحیانی بودن آنها بود، منتشر کرد، موجی شدید از مخالفت‌ها علیه او پدید آمد و پیروان غالب ادیان و مذاهب از جمله هندوها، سیکها، مسلمانان و مسیحیان به مخالفت با او برخاستند و تصمیم به نابودی وی گرفتند. (۶) شدت این مخالفت‌ها به اندازه‌ای بود که در سال ۱۹۵۳م، دولت وقت پاکستان، ناگزیر شد با اعلام حکومت نظامی در لاهور، آشوب برخاسته از این اختلافات را فروبشاند. در این شرایط قادیانیها که با تمسک به نام مؤسس فرقه، خود را احمدیه می‌نامیدند، مجبور شدند در شهرها و دهکده‌هایی مجزا از سایر مسلمانان، به زندگی ادامه و آراء و عقاید خود را در مراکز ویژه خود، نشر و تعلیم دهند. کتابها و آثار فراوان میرزا غلام احمد از جمله «فتح اسلام» و «ازاله اوهام» (که در آنها ادعاهای پیامبرانه خود را تبیین نموده بود) و بیعت وی با پیروانش در سال ۱۸۸۹م، منجر به نارضایتی اهل سنت از این رهبر جدید و تعلیم بدعت‌آمیزش شد. از این رو، با صدور اولین فتوا علیه احمدیه در سال ۱۸۹۱م، یک دوره تلاش طولانی برای طرد احمدیان از اسلام، آغاز شد؛ تلاشی که در آوریل ۱۹۸۴م، با تنظیم یک قانون نظامی در پاکستان برای مقابله با این فرقه، به اوج خود رسید. حکومت پاکستان قانونی صادر کرد که براساس آن، پیروان فرقه احمدیه به عنوان یک اقلیت غیر مسلمان قلمداد شدند. در این قانون، آنان از اینکه خود را مسلمان بخوانند یا از اصطلاحات قرآنی و اسلامی در عبادت و موعظه بهره بجویند، منع گردیدند. (۷)

اوضاع احمدیه در زمان حیات میرزا غلام احمد، به تثبیت پایگاه‌های فکری و اجتماعی سپری شد و تمام همّت حلقه نخست این فرقه، معطوف به جذب نخبگان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جهت تقویت بنیانهای این انشعاب گردید. اما پس از درگذشت میرزا غلام احمد، این جریان دچار تفرقه و تشتت گردید و بر سر موضوع خلافت، میان اعضا و هواداران جنبش اختلافاتی جدی پدید آمد.





مخالفان و منتقدان دستگاه خلافت که خلیفه دوم احمدی مایل است آنها را غرب زده معرفی نماید (۸) به مخالفت با خلیفه جدید برخاسته و در اساس خلافت ایجاد خدشه نمودند. نظرات این عده که ظاهراً در میان پیروان احمدیه از جایگاه علمی و اجتماعی نیز برخوردار بوده‌اند، مورد پذیرش عده‌ای از پیروان احمدی قرار گرفت. در نتیجه پس از درگذشت حکیم نورالدین بهیروی - خلیفه اول - در سال ۱۹۱۴م، چالشی عمیق در مسیر حیات اجتماعی - سیاسی جنبش پدید آمد و مخالفان شیوه خلافت، صراحتاً خواهان تغییرات اساسی در شیوه رهبری فرقه شدند. این عدم توافق بر سر مسئله رهبری بعد از مرگ حکیم نورالدین بهیروی، سبب به وجود آمدن انشعابی به رهبری محمدعلی (ویراستار مجله نقد و بررسی ادیان؛ *The Review of Religions* و مترجم قرآن به انگلیسی) و کمال الدین (مؤلف، مدرس و مبلغ دینی در مسجد ووکینگ (Woking) انگلستان) گردید. این انشعاب که به عنوان انشعابی تجزیه طلب موسوم شده‌اند، معتقد بودند که غلام احمد قصد داشت قدرت را به انجمن مرکزی احمدیه (صدر انجمن احمدیه) انتقال دهد و بدین ترتیب نهضتی با رهبری گروهی فراهم آورد. (۹)

در این شرایط، موافقان خلافت، میرزا بشیرالدین محمود احمد فرزند میرزا غلام احمد را که در آن مقطع، جوانی بیست و پنج ساله بوده است به جانشینی خلیفه اول می‌پذیرند و به اذعان خود او، اصرار و پافشاری معتقدان

و موافقان خلافت، او را وادار به پذیرش این مسئولیت می‌نمایند. (۱۰)

از آنجا که مخالفان، عمدتاً دارای مشاغل کلیدی و مسئولیتهای حساس در نهضت احمدی بودند، تعارض آنها با خلیفه جدید، جنبش را تا سر حد اضمحلال پیش برد و نهضت احمدیه در معرض نابودی و انحلال قرار گرفت؛ به نحوی که مخالفان و هواداران احمدیه هر دو برای انحلال و فروپاشی این جنبش روزشماری می‌کردند و هر روز باور شکست نهضت، قوت بیشتری می‌یافت. اما در این زمان اتفاقی رخ داد که میرزا بشیرالدین آن را به مثابه یک معجزه بزرگ توصیف می‌نماید و آن جدایی مخالفان، از نهضت بود؛ کسانی که صاحب جایگاه، نفوذ و اعتبار بودند و در منظر عموم پیروان احمدیه، متعلق به قشر روشنفکر این جریان محسوب می‌شدند، از جنبش بیرون رفتند و با آن، قطع رابطه کردند و تصریح نمودند: از آنجا که امور جنبش به دست جوانی خام و بی تجربه افتاده، جنبش به زودی متلاشی خواهد شد. (۱۱)

به این ترتیب انشعاب جدید موسوم به «لاهوری» با جدا کردن حساب خود از جمع پیروان خلافت احمدی، تصریح نمود: میرزا غلام احمد تنها یک مصلح دینی (و نه یک پیامبر) است که به منظور ایجاد اصلاحگری و پیرایش دین اسلام، ظهور نموده است. به این ترتیب شکاف عقیدتی، فرقه احمدیه را دچار تفرقه‌ای مضاعف نمود. به عقیده عزیز احمد - نویسنده هندی - جناح لاهوری به اسلام اهل سنت



نزدیک تر است؛ چراکه آنها غلام احمد را یک مصلح سیاسی می دانند نه یک پیامبر مبعوث و بنابراین بر این باورند که جماعت می باید توسط کمیته ای غیر روحانی (و نه یک خلیفه) اداره شود. (۱۲) اگر چه درباره انتخاب رهبر، هیچ قاعده رسمی که مبین رهبری خاندانی در این فرقه باشد، وجود نداشت، اما در واقع سه چهارم رهبران این نهضت، فرزندان مؤسس آن بودند. برای نمونه بشیرالدین (خلیفه دوم) پسر غلام احمد است و نصیر احمد (خلیفه سوم) و طاهر احمد (خلیفه چهارم) پسران بشیرالدین هستند. انتخاب جانشین از طریق رأی گیری در یک مجمع سیصد نفره نمایندگان، متشکل از افرادی که وظیفه شان انتخاب شخص اصلح (فارغ از نسب خانوادگی وی) است، صورت می گیرد. (۱۳)

خلفای احمدی علی رغم ادعاهای مکرر خود مبنی بر عدم وابستگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به

غرب، پس از میرزا غلام احمد به بلاد غرب کوچ نمودند و عمدتاً در انگلستان سکنی گزیدند. البته سرزمین فلسطین - مناطق تحت اشغال اسرائیل - نیز از جمله مناطق مورد علاقه بزرگان این انشعاب اسلامی به شمار می رود که خود این حضور در دامن دو چهره سیاسی منفور در دنیای اسلام، احمدیه را همواره با انتقادات جدی از سوی قاطبه مسلمان مواجه نموده است.

لازم به توضیح است که غلام احمد بر خلاف خلفای پس از خود در زمان استعمار هندوستان توسط انگلیس، چندین رساله و کتاب در تجلیل و حمایت از دولت انگلستان، به نگارش درآورد. وی بر این باور بود که دولت بریتانیا همه اقشار مردم را از جهت آزادی با دید یکسان می بیند و در این باب کمال انصاف و دادگری را رعایت می کند و ملتها در زیر سایه رأفت آنها به آرزوی خود رسیده اند. علاوه بر این، او اطاعت از دولت انگلستان را واجب می دانست. وی در اواخر رساله *حقیقت المهدی* در این باره می نویسد: «اگر ترس از شمشیر دولت بریتانیا نبود، حتماً مرا با نیزه ها و شمشیرها به قتل می رساندند، اما خداوند آنان را به واسطه این دولت نیکوکردگار از این کار بازداشت. پس خداوند و این دولتی که سبب ساز نجات ما از دست ظالمان گردید را سپاس می گزاریم. دولت بریتانیا آبرو و جان و اموال ما را از [گزند] ستمگران حفظ نمود و چگونه سپاس به جای نیاوریم که ما در کنف حمایت این سلطنت، با امنیت و آسودگی خاطر زندگی می کنیم و [به واسطه آنها] از انواع عذابها نجات یافتیم و حضور آنها [در سرزمین هند] برای ما همراه با عزت و برکت بود. [از برکت حضور آنان] به غایت آمالمان در امنیت و عاقبت دنیا نائل آمدیم. اطاعت از این دولت و دعای همراه با صدق نیت برای سعادت و سلامتی اش [بر ما] واجب شد. آنان ما را با دستهای شوکت خود اسیر نکردند بلکه قلبهای ما را با دست منت و احسان خود به اسارت درآوردند. پس سپاس او و شکر احسانش و [نیز] اطاعت از او و دودمانش [بر ما] واجب است. خداوند این ملکه معظمه [بریتانیا] را از جانب ما، جزای خیر عطا کن و دولت و عزت او را محافظت فرما، ای ارحم الراحمین، آمین». (۱۴)

این فرقه، اسلام احمدی را قرائت بی پیرایه از حقیقت اسلام می داند و اجماع مسلمانان در مخالفت با خود را انحراف از اسلام واقعی تفسیر می کند. احمدیان، مسلمانان غیر احمدی را کافر می دانند و علی رغم ازدواج با زنان مسلمان، از تزویج دختران خود با مسلمانان غیر احمدی به شدت



اجتناب می‌ورزند. آنان خود را جماعت برگزیده خداوند برای بسط محبت، طهارت، نیکویی و امنیت در جهان می‌دانند که خداوند آنان را از حیات ناپاک دنیایی پاک گردانیده و بهره‌مند از حیات طیبه نموده است. میرزا غلام احمد در این باره در *ازاله اوهام* می‌نویسد:

«... أن الله تعالى قد اراد ان يخلق هذه الجماعة ثم يهبها تقدماً ليظهر جلاله و یری قدرته لكي ينشر في الدنيا حب الله تعالى و التوبة نصوح و الطهارة و الحسنه الحقیقه و الأمن و الصلاح و مؤساة البشر. فهذه الجماعة ستكون جماعته المختارة التي سوف يحبها القوه بروحه الخاصه و يظهرهم من الحیاة القذرة و سوف يحدث تغيراً طيباً في حياتهم» (۱۵)

در پس تشکیلات تبلیغی فرقه احمدیه، نیروی سازمان یافته اجتماعی از پیروان این فرقه وجود دارد که نگاهش معطوف به رهبری رئیس این تشکیلات؛ یعنی غلام احمد و پس از سال ۱۹۰۸م به سلسله جانشینان او ملقب به «خلفای مسیح» است. این جانشینان تاکنون پنج نفر بوده‌اند که عبارتند از: حکیم نورالدین (۱۹۰۸-۱۹۱۴م)، میرزا بشیرالدین محمود احمد (۱۹۱۴-۱۹۶۵م)، میرزا نصیر احمد (۱۹۶۵-۱۹۸۲م) و میرزا طاهر احمد (۱۹۸۲-۲۰۰۳م). از سال ۲۰۰۳م تاکنون نیز میرزا مسرور احمد به عنوان پنجمین خلیفه این مسئولیت را در شهر لندن بر عهده گرفته است.

امروزه، ساختار تشکیلاتی که خلیفه عهده‌دار هدایت آن است، همانند ساختار آموزشی، نشر و فعالیت‌های تبلیغی، عمدتاً مبتنی بر پیشرفتهای سازمانی جدید سامان یافته است. این ساختار نسبتاً مدرن که به تدریج از دوران تصدی غلام احمد تاکنون شکل گرفته است، شامل این ارکان است:

۱. انجمن مرکزی احمدیه تحت سرپرستی معاون خلیفه؛ این فرد عهده‌دار نظارت بر بخشهای متبوع انجمن شامل: خزانه، انتظامات، اداره روابط بین‌الملل، آموزش و پرورش، اداره تبلیغ و ترویج آموزه‌های نهضت، انتشارات و بخش مربوط به پذیرایی از میهمانان است.

۲. انجمن مشورتی خلیفه؛ این انجمن در سال ۱۹۲۲م تشکیل شد و متشکل از ۶۰۰ نماینده و منتخب ارشد است.

۳. انجمنهای فرعی؛ متمرکز در پاکستان و سایر کشورهای که امروزه بیشتر احمدیه در آنجا یافت می‌شوند.

۴. نظام قضایی اسلامی؛ این بخش در سال ۱۹۲۵م به

منظور برقراری نظم و رسیدگی به پرونده‌های مدنی مربوط به اختلافات میان پیروان احمدیه، به وجود آمد.

۵. انجمن زنان.

۶. انجمن پسران و مردان؛ ویژه ذکور بالای ۸ سال.

۷. مدارس دینی و غیردینی و نهادهای تعلیمی که دانشگاه «تعلیم الاسلام» در رأس آنها قرار دارد.

۸. نهضت جدید (تحریکی جدید)؛ این نهاد در سال ۱۹۳۴م برای بهبود تعلیم و تربیت و تنظیم و تنسيق امور تبلیغی تأسیس شد.

۹. مجلس نصرت جهان؛ این نهاد، شورایی است برای نظارت و بسط و گسترش مدارس و بیمارستانهای احمدیه در غرب آفریقا.

نشست سالیانه‌ای که به ریاست خلیفه و با مشارکت هزاران احمدی از پاکستان و کشورهای دیگر در اواخر دسامبر در ربوه پاکستان برگزار می‌شود، حلقه اتصالی است که هر ساله پیروان این فرقه را برای تجدید میثاقی دوباره گرد هم می‌آورد. (۱۶)

احمدیه نیز همچون غالب تشکیلات فرقه‌ای و مذهبی، هویتی نظام‌مند و قاعده‌محور دارد که هر کس قصد ورود و پیوستن به آن را داشته باشد، باید شروطی را بپذیرد. «ده فرمان» احمدیه که در حقیقت پیش‌شرط پذیرش افراد به عنوان اعضای این فرقه، به شمار می‌رود، عبارت است از:

۱. اجتناب از شرک تا زمان مرگ.

۲. پرهیز از زنا، چشم‌چرانی، زورگویی و همه طرقي که به فسق و فجور و ظلم و خیانت می‌انجامد.

۳. مواظبت از نمازهای پنج‌گانه، تداوم بر اقامه نماز شب در حد استطاعت، نماز بر پیامبر، استغفار و مراقبت بر ذکر.

۴. اجتناب و پرهیز از آزار و اذیت دیگران به طور عام و آزار مسلمانان به طور خاص (زبانی، دستی و ...).

۵. ابراز وفاداری به خداوند و هدایت او و ابراز رضایت در برابر قضای الهی در جمیع احوال.

۶. پرهیز از متابعت هوای نفس و پذیرش حکومت قرآن به معنای تام کلمه و سرلوحه قراردادن دستورات آن در تمام شئون زندگی.

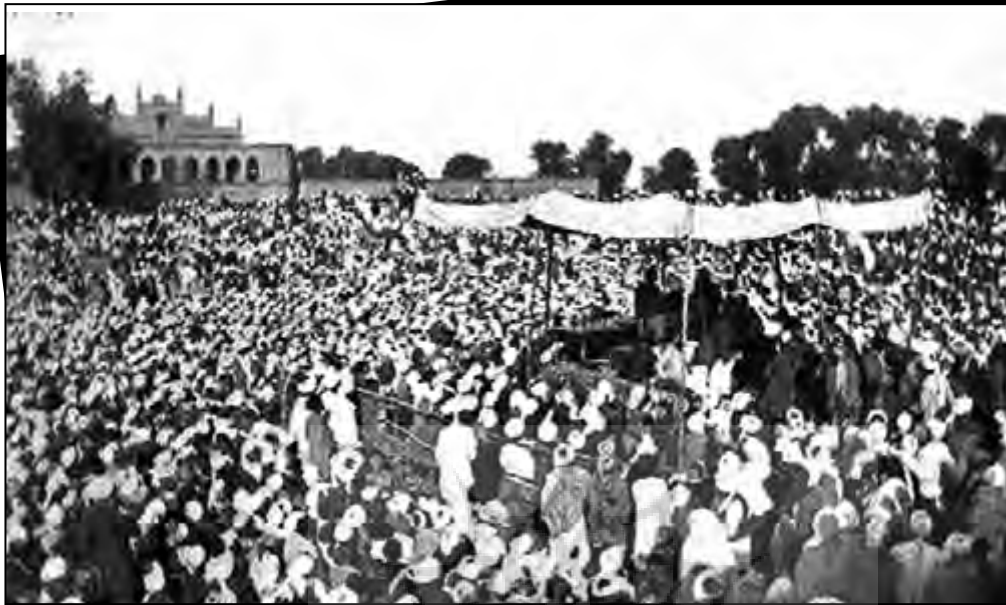
۷. پرهیز کامل از کبر و غرور و محافظت بر تواضع، خشوع، صبر و مدارا.

۸. پذیرش رجحان عزت اسلام بر جان و مال و اولاد.

۹. اشتغال دائمی به رفع حاجات خلق و خیررسانی به هموعان به منظور کسب رضای خداوند.

۱۰. تسلیم خلیفه وقت بودن و پذیرش بدون شرط همه





اوامر و نواهی او. (۱۷)

چنان‌که روشن است، غالب تعالیم و شروط عقد اخوت احمدیه، پیرامون مبانی و آموزه‌های اخلاقی اسلام است و در این میان آنچه که در تعالیم احمدیه نمود جدی‌تری دارد، تأکید بر جنبه اخلاقی و شئون فردی آموزه‌های اسلامی است.

۲) نقد و تحلیل مواضع، آراء و اندیشه‌ها

همچنان‌که اشاره شد، غلام احمد به تساوب در برخی از آراء و مواضع اعتقادی، خط خود را از قاطبه مسلمانان جدا نمود و مسیری مستقل از اسلام متعارف را پیش روی خود قرار داد. مهم‌ترین مواضع این انشعاب را که طبعاً مخالفان بسیاری نیز داشته است، می‌توان ذیل چهار سرفصل اصلی بررسی و تحقیق نمود:

الف) خاتمیت

غلام احمد اگرچه در هیچ‌یک از آثار خود تصریحی بر انکار خاتمیت حضرت رسول (ص) ندارد، اما به عقیده قاطبه مخالفان، نفس دعوی وی مبنی بر «ظهور» و «بعثت» حاوی نفی خاتمیت است. غلام احمد مبتنی بر رویکردی که به مسئله خاتمیت و اقسام نبوت پیامبران الهی داشت،

بر آن بود که پیامبران به دو گروه صاحبان شرایع و کتاب و پیامبران تبلیغی قابل تقسیمند. سنخ نخست، عده معدودی از انبیا را دربر می‌گیرد که صاحبان کتاب و شریعت مستقلند و «دین» خاصی تحت لوای آموزه‌های ایشان شکل گرفته است، اما گروه دوم، شامل انبیایی است که صرفاً جهت تبلیغ و تکمیل رسالت پیامبر پیشین مبعوث شده‌اند. این رأی غلام احمد تا اینجا با رأی غالب مذاهب اسلامی در این باره منطبق است و دلالتی بر ردّ خاتمیت پیامبر اسلام (ص) ندارد، لکن غلام احمد ضمن تأکید بر ختم نبوت تشریحی به دست پیامبر (ص) خود را در زمره پیامبران تبلیغی رسالت انبیای سلف برمی‌شمرد و مدعی است که مجدد قرن چهاردهم اسلام و مصلح دین پیامبر اکرم (ص) است. (۱۸) او به این ترتیب، بر خلاف سایر مسلمانان، سلسله پیامبران تبلیغی را پایان نایافته می‌انگارد. (۱۹)

البته در این میان، نباید از نظر دور داشت که این دیدگاه، قائلان برجسته‌ای در میان عرفا و صوفیه دارد. تقسیم نبوت به دو نوع تشریحی و مقامی (عامه) یا انبائی، از جمله اصول پذیرفته شده بسیاری از رجال عرفان و تصوف است. (۲۰) آنان بر این اساس، نیل به نبوت مقامی را برای همه سالکان الی الله در همه ادوار تاریخ امکان‌پذیر می‌دانند.



(۲۱) حتی برخی از عارفان نظیر مولوی، دریافته‌ها و الهامات اهل معرفت را هم‌سنخ وحی و حتی نفس وحی می‌دانند که عارفان به جهت پرده‌پوشی اسرار از منظر عوام، آن را «وحی دل» یا «الهام» لقب می‌دهند. (۲۲) بنابراین با توجه به قرائن عرفانی بسیاری از آراء غلام احمد، به نظر می‌رسد وی مبتنی بر این رویکرد عرفانی و با مستمسک قرار دادن روایات مشکوکی که از ظهور یک مصلح و مجدد در پایان هر قرن خبر می‌دهد، می‌کوشد تا خود را نبی مرسل‌لی که فاقد احکام شریعت جدید است، معرفی نماید. وی با اعلام نبوت تبلیغی خود در سال ۱۹۰۲م موجی از مخالفت‌های شدید مسلمانان را علیه خود برانگیخت. البته او در این سالها بارها بر این نکته پافشاری می‌کند که به هیچ‌رو ناسخ شریعت پیامبر اسلام (ص) نیست و با تبعیت تام از شریعت اسلام، صرفاً در زیر سایه پیروی آن حضرت (ص) به نحو مجازی به مقام نبوت نائل شده است. (۲۳) او در راستای تبرّی جستن از اتهاماتی که در این باره متوجه او بود، با ارسال نامه‌ای به روزنامه «اخبار عام» که در روز وفات او (۲۶ می ۱۹۰۸م) به چاپ رسید، به شدت خود را از اتهام نسخ شریعت اسلام و ادعای نبوت مستقل مبرا دانست.

ب) جهاد

جهاد در نظرگاه فرقه احمدیه در دوران معاصر، صرفاً جهاد با قلم، دعوت و مال است. آنان معتقدند که جهاد و قتال ویژه صدر اسلام بوده است؛ زیرا تعداد مسلمانان در آن ایام اندک بود.

غلام احمد در این باره در رساله *حقیقت المهدی* می‌نویسد: «فان امر الجهاد فی بدء ایام الاسلام و کان حفظ نفوس المسلمین موقوفا علی قتل القاتلین و الانتقام بما کانوا قلیلین و کان الکفار غالبین کثیرین سفاکین ... فرفعت هذه السنة برقع اسبابها فی هذه الايام و امرنا ان نعد للکافرین کما يعدون لنا و لانرفع الحسام قبل ان نقتل بالحسام». (۲۴)

وی همچنین احادیثی را که دلالت بر جنگ و خون‌ریزی در زمان ظهور حضرت مهدی (عج) دارد، ناصحیح می‌داند و تصریح می‌کند که خداوند او را از عدم صدور این مفاهیم از جانب پیامبر اکرم (ص)، آگاه نموده است. وی تمام این احادیث را ضعیف و نادرست می‌داند (۲۵) و بر این اساس، معتقد است: دوران جهاد با شمشیر و ادوات نظامی سپری شده و تنها جهاد با قلم و شیوه‌های ارشاد فکری و مسالمت‌آمیز، ویژه این روزگار است؛ «واعلموا ان وقت الجهاد السیفی قد مضی و لم یبق الا جهاد القلم و الدعاء و آیات عظمی». (۲۶)

با وجود این، به نظر می‌رسد رهبران این فرقه، منکر جهاد با معاندان محارب نیستند، اما ظاهراً آنان برای این موضوع، مصادیق قابل توجهی در جهان معاصر سراغ ندارند!!

پس از میرزا غلام احمد، مهم‌ترین مواضع قادیانیه در باب موضوع جهاد و مبارزه خشونت‌آمیز در کتابی موسوم به *القتل باسم الدین* از تألیفات چهارمین خلیفه قادیانی، ارائه شده است. او با پیروی از مؤسس فرقه، جهاد را در زمره بخشی از احکام اسلامی، طبقه‌بندی می‌کند که در صدر اسلام به دلیل کمی تعداد مسلمانان و شرایط خاص جامعه اسلامی، وجوب یافته است و در عصر حاضر که یقیناً هیچ قدرتی یارای مقابله با جمعیت میلیاردری مسلمانان را ندارد، جهاد صرفاً چهره‌ای بدوی و خشن از اسلام در دنیا ترسیم خواهد نمود. او در کتاب خود می‌نویسد: عقیده اسراخ من این است که اسلام و هر دین حقیقی نمی‌تواند به نام خدا خون بریزد و تنها جهادی در اسلام جایز است که برای اشاعه دین از طریق تبلیغ و اقناع صورت گرفته باشد. (۲۷)

او همچنین در این کتاب، با ترسیم چهره‌ای خشن، نامناسب و غیر واقعی از انقلاب ایران، آن را در اصل مطابق معیارهای حقیقی اسلام نمی‌داند و آن را بیشتر یک انقلاب ملی در پوشش دین قلمداد می‌کند. وی معتقد است: انقلاب اسلامی ایران چهره‌ای نامناسب از اسلام به جهان نمایاند و این همان چیزی است که غرب در پی آن بود. او تلویحاً حرکات به زعم خود، خشونت‌آمیز و تروریستی علیه اسرائیل و نمایندگان کشورهای غربی را در منطقه که در پوشش تعالیم اسلامی و در منظر او با تحریک ایران صورت می‌پذیرد، محکوم و انتساب این گونه حرکتهای به اصطلاح خشونت‌آمیز را جفا در حق اسلام تلقی می‌کند.

او در این میان، حکومت سعودی منبعث از تفکرات وهابی را نیز مسئول بسیاری از رویکردهای غلط در جهان اسلام می‌داند. وی در این ارتباط، کمکهای مالی سعودیها به کشورهای فقیر اسلامی را نه کمک به اقتصاد بیمار و زمین‌خورده آنها؛ بلکه کمک به ترویج اسلام با قرائت وهابی و تربیت مبلغان داعیه‌دار این تفکر خشونت‌آمیز و انعطاف‌ناپذیر تلقی می‌نماید.

او معتقد است که امروزه معنای جهاد و جنگ مقدس در میان گروههای اسلامی معطوف به مبارزه با قدرتهای استعماری نیست؛ بلکه این معنا عمدتاً در جهت مقابله با سایر گروههایی که یک گروه خاص، آنان را در عقاید و رفتار، مخالف مثنی اصیل اسلامی می‌شمرد، به کار برده



می‌شود و این دقیقاً همان چیزی است که مطلوب کشورهای استعماری غربی است. حال آنکه کشورهای ثروتمند اسلامی نظیر عربستان در حقیقت در همه جنبه‌ها متکی به شرق و غرب هستند.

طاهر احمد به این ترتیب با نشان دادن چهره‌ای ضد استعماری (و البته ضد خشونت) از خود، معتقد است: امروزه، مبارزات اسلامی، به یک مسئله داخلی جهان اسلام بدل شده که میان خود گروه‌های اسلامی موضوعیت یافته است و این جریان در حال حاضر، کمترین مواجهه را با قدرتهای استعماری دارد و همین امر موجب شده است تا چهره‌ای خشن، بی‌تسامح و متعصب از اسلام در جهان ترسیم شود. او همچنین حکم اعدام سلمان رشدی را یک حکم غیراسلامی می‌داند و معتقد است که سلمان رشدی شرایط یک کافر را دارد و عقوبتی دنیوی برای کفر در اسلام در متون اصیل اسلامی در نظر گرفته نشده است. او در این باره به ردّ این حکم از سوی شیخ‌الازهر اشاره می‌کند و بر آن است که این عمل دفاع از اسلام نبود؛ بلکه چهره اسلام را در منظر جهانیان مکدر نمود.

به این ترتیب، او همه انواع ترور و خشونت را در هر پوششی که باشد، محکوم می‌کند و معتقد است: این‌گونه اعمال خشونت‌آمیز هیچ ارتباطی با اسلام ندارد و اصولاً با مفهوم اسلام که دین مهربانی است در تناقض به سر می‌برد. او این‌گونه اعمال را در همه ادیان صرفاً مبتنی بر مسلک‌های شخصی قلمداد می‌کند و نه متکی به تعالیم حقیقی ادیان. او همچنین قضاوت غریبها درباره اعمال خشونت‌آمیز رایج در کشورهای اسلامی را نیز مبتنی بر سیاست یک بام و دو هوا می‌داند و معتقد است: خود آنها در طول تاریخ بارها با مستمسک قرار دادن ناپجای تعالیم مسیحیت، جنایات مهیبی را علیه بشریت تدارک دیده‌اند. به طوری که اگر این‌گونه درگیریها در کشورهای غربی واقع شود، آن را «نزاع سیاسی» می‌خوانند و چنانچه در کشورهای اسلامی ظهور کند، آن را «تروریست اسلامی» لقب می‌دهند.

طاهر احمد در نهایت، به این نتیجه می‌رسد که تفکر انتشار اسلام با قدرت شمشیر به جدّ محل تأمل و تردید است. وی جنگها و نزاعهای حکومت‌های اسلامی را که با ابتدای بر اسلام تفسیر می‌شوند، صرفاً نزاعهای مبتنی بر سیاست و روابط حکومتی قلمداد می‌کند که ریشه‌ای اصیل در اسلام ندارند. (۲۸)

ج) مسیح شناسی

قادیانی‌به به پیروی از میرزا غلام احمد، ملتزم به قرائتی

خاص در باب سرانجام مسیح(ع) است. پیروان این فرقه بر این باورند که مسیح(ع) بر فراز صلیب، با مداخله خداوند از مرگ نجات یافت و آنچه که قرآن از آن به عنوان شبیه‌ای در باب مرگ مسیح یاد می‌کند نیز در واقع ناظر به کالبد وی است و حقیقت او که همانا روح متعالی و باطن راسخس بود، در ملکوت اعلیٰ نزد خداوند آرامش یافت. میرزا غلام احمد معتقد بود که عیسی بن مریم چنان‌که قرآن کریم نیز تصریح می‌کند، نه به قتل رسید و نه به صلیب کشیده شد؛ بلکه در حالی از صلیب پایین آورده شد که بی‌هوش بود، لکن پس از آن به هوش آمد و از آن سرزمین مهاجرت نمود. او در توضیح عبارت قرآنی «مَا صَلَّبُوهُ» معتقد است که مصلوب به کسی اطلاق می‌شود که در اثر به صلیب کشیده شدن، جان بسپارد حال آنکه عیسی بر صلیب نمرد؛ بلکه بی‌هوش شد و به یاری خداوند از مرگ نجات یافت. بر این اساس، عبارت قرآنی «شُبِّهَ لَهُمْ» به معنای آن است که بر آنان مشتبه شد که عیسی بر فراز صلیب جان سپرد و حال آنکه چنین نشد بلکه او با اراده الهی صرفاً بی‌هوش شده بود. وی همچنین به صلیب کشیده شدن شخصی شبیه عیسی را نیز با اتکا به مبانی خود نمی‌پذیرد. (۲۹)

غلام احمد بر این باور است که مسیح(ع) پس از ماجرای به صلیب کشیده شدن، پس از چند روز به هوش آمد و از آن سرزمین به هندوستان هجرت نمود (۳۰) و در مکانی به نام سرینگر (srinagar) در سنین قریب به یکصد و بیست سالگی از دنیا رفت (۳۱) که هنوز نیز مزاری منسوب به وی در هندوستان وجود دارد. (۳۲)

غلام احمد قادیانی در بحث از زندگی مسیح(ع)، تداوم حیات آن حضرت را تا آخرالزمان، یکی از مصادیق جعل اسطوره جهت تضعیف اسلام برمی‌شمرد؛ چرا که مسیح زنده به مراتب از محمد مرده کارآمدتر و تمسک و توسل به او و دین او عقلانی‌تر و منطقی‌تر خواهد بود. بنابراین او بر این باور است که ارباب مسیحیت با جعل چنین اسطوره‌ای در صدد تضعیف اسلام و یهود و تثبیت دوران شکوهمند حضور عیسی(ع) برآمدند. (۳۳)

بنابراین از آنجا که مطابق نظر احمدیه، عیسی نیز مانند سایر پیامبران خدا، مرگ بر او حادث شده، مسیحا بودن غلام احمد بدین معنا است که وی صاحب «روح» و «قدرت» عیسی است و از وجاهت معنوی‌ای مشابه او بهره می‌برد و این هرگز به معنای اینهمانی شخصی او و مسیح(ع) نیست.

(۳۴)



د) مهدویت

در باب مهدویت نیز احمدیه آراء منحصر به فردی دارند که در تقابل با رویکردهای متعارف در جهان اسلام قرار می‌گیرند. در نظرگاه رهبران این فرقه، مهدی نام دیگر مسیح(ع) است و هر دوی این اسامی اگر چه بیانگر صفات گوناگونی هستند اما دلالت بر فردی واحد دارند. (۳۵) غلام احمد در حقیقت‌المهدی ضمن تأکید بر اینکه احادیث ناظر به ظهور مهدی(عج) که در آنها مهدی(عج) از فرزندان حضرت فاطمه(س) دانسته شده است، همه به لحاظ راوی و مضمون، ضعیف و مجروحند، (۳۶) معتقد است: آنان که مهدی و مسیح را دو شخص متمایز و متفاوت از یکدیگر می‌دانند در اشتباهند. (۳۷)

غلام احمد به این ترتیب با جرح و تعدیلهای خاص خود و با اتکا به تأویل اغلب نصوص متقن ناظر به ظهور مهدی(عج)، خود را مهدی منتظر و موعود امتها قلمداد می‌کند. وی در این راستا به جهت تطبیق روایات مربوط به نزول عیسی(ع) و ظهور مهدی(عج) با شرایط خاص خود، کلیه روایاتی را که متضمن به کار بستن نوعی خشونت از سوی مهدی(عج) در زمان ظهور است، در زمره احادیث موضوعه طبقه‌بندی می‌کند و همه آنها را از سنخ افترا به خدا و رسول می‌داند (۳۸) و معتقد است: هیچ‌یک از روایات و نصوص متقن اسلامی دلالت بر این ندارد که مهدی(عج) در زمان ظهور، متعرض قتال و خشونت خواهد شد؛ بلکه برعکس، شیوه او در بازخوانی دوباره اصول و معارف اسلامی (که پایمال هواهای نفسانی و ظلم و ستم حاکمان شده است) مبتنی بر سلم و مدارا و رحمت و از همه مهم‌تر متکی به دلایل روشن قطعی و براهین صادق و صحیح است. (۳۹)

غلام احمد بر آن است که التزام مهدی(عج) به استفاده از شیوه‌های خشونت‌آمیز در دعوت و قیام، از منظر عقلی نیز خدشه‌پذیر می‌نماید چه آنکه استعمال این‌گونه شیوه‌ها با ذات فرهنگ و روحی مردمان این عصر سازگاری ندارند. قلبهای تشنه حقیقت در این زمان، ظهور مردی را انتظار می‌کشند که با تمسک به اخلاق فاضله و اتصاف به صفات کریمه، بی‌آنکه متعرض سلاح و خشونت شود، از شمشیر برننده بیان و براهین و ادله قاطع در پیشبرد اهداف خود بهره می‌جوید و «فارس میدان معرفت» است. (۴۰) غلام احمد به این ترتیب، اغلب مردمان به ویژه مسلمانان را در باب مسائل مربوط به ظهور موعود و منجی آخرالزمان، دچار کج‌فهمی و سوء‌تعبیر می‌داند و با معرفی صریح خود به عنوان مسیح موعود، خود را مؤید به تأییدات الهی و

مصدق عینی و شخصی مهدی منتظر در روایات و نصوص اسلامی قلمداد می‌کند؛ «... من مسیح مهدی هستم که از سوی رب‌الارباب گسیل داشته شده‌ام و برای جنگ نیامده‌ام و پروردگارم مرا به لشکرکشی امر نفرموده. من بر قدم فرزند مریم آمده‌ام تا مردمان را به مکارم اخلاق و به سوی پروردگار اکرم و ارحم فرابخوانم و من حاجتی به شمشیر از نیام کشیدن، نمی‌بینم که این خود، ننگ است بر ملتی که فروغش سرزمینها [ی دیگر] را فرا گرفته، آری حاجت به آزادی عمل قلمها است تا از این رهگذر، مردمان را از گمراهیها و طوفانهایش برهانیم.» (۴۱)

گفتنی است اختلافات احمدیه با سایر فرق و مذاهب اسلامی تنها در همین چهار مورد خلاصه نمی‌شوند و در برخی دیگر از سرفصلهای اعتقادی نیز مواضع آنان از رأی جمهور مسلمانان متمایز هستند که از آن جمله می‌توان به مفاهیمی نظیر صفات الهی، رؤیت الهی، حدوث و قدم قرآن، خلود در دوزخ، معجزات، تجرد روح و حدوث نفس، قدمت انسان، جن و حیات پس از مرگ اشاره نمود. (۴۲)

۳) مآخذ شناسی آثار و پایگاههای اطلاع رسانی احمدیه

قدرت تشکیلات تبلیغی فرقه احمدیه عمدتاً ناشی از یک جهانی‌نگری (۴۳) افراطی (audacious universalism) و اعتماد به نفس، شخص غلام احمد و شایستگیهای نخستین پیروانش نظیر محمدعلی، کمال‌الدین و صوفی پنگالی بود. این افراد کسانی بودند که به تألیف آثار ادبی و سازمانی در این فرقه اشتغال داشتند و عهده‌دار بنیان‌گذاری نخستین پایگاههای تبلیغاتی در انگلستان و آمریکا شدند.

از همان آغاز، تبلیغ اسلام در قالب فرقه احمدیه، وظیفه اصلی این نهضت به‌شمار می‌رفت. روشهایی که در زمان حیات غلام احمد برای تبلیغ استفاده می‌شد، از میان رسوم جاری و متداول تبلیغ در پنجاب اقتباس می‌گردید. این روشها عبارتند از: موعظه خیابانی، ملاقاتهای عمومی، استفاده از کتب، مجلات ادواری و سایر آثار دینی، مناظرات و مباحثات رسمی، مطالعه و رد سایر ادیان و مبلغان آنها و از همه مهم‌تر ترجمه و انتشار قرآن همراه با تفسیر آن به زبانهای مهم امروزی. (۴۴) از آنجا که این فرقه به نحو گسترده و جدی در دهه‌های اخیر به تبلیغ و ترویج باورهای خود در سراسر جهان پرداخته و آثار معتابیهی در قالب کتاب، مجله و پایگاههای اطلاع‌رسانی عرضه نموده



است، در ادامه مهم‌ترین این آثار را از نظر می‌گذرانیم:

الف) مآخذشناسی آثار

کتاب، رسائل و مجلات متنوع و متعددی توسط خلفای احمدی و پیروان آنها در طول حدود ۱۲۰ سالی که از ظهور این فرقه می‌گذرد، به رشته تحریر درآمده است. بنیان‌گذار احمدیه یکی از پرکارترین نویسندگان این جریان فکری است. قریب ۸۲ اثر به میرزا غلام احمد نسبت داده شده است که همه آنها در مجموعه‌ای تحت عنوان روحانی خزائن در ۲۳ جلد توسط شورای مرکزی احمدیه به چاپ رسیده است. عناوین برخی از آثار و تألیفات میرزا غلام احمد قادیانی عبارتند از:

۱. تذکره ۲. ملفوظات ۳. مجموعه اشتهارات ۴. گورنمنت انگدیزی اور جهاد ۵. منتخب تحریرات ۶. رساله الوصیة ۷. رساله مواهب الرحمن ۸. براهین احمدیه ۹. فتح الاسلام ۱۰. جنگ مقدس ۱۱. شهادة القرآن ۱۲. اتمام الحجة ۱۳. نشان آسمانی ۱۴. حقیقت المهدی ۱۵. بیغام صلح ۱۶. چشمه معرفت ۱۷. حقیقة الوحی ۱۸. نورالحق ۱۹. کرامات الصادقین ۲۰. حمامة البشری ۲۱. فلسفه تعالیم اسلام ۲۲. سر الخلافة و ...

سایر خلفاء احمدیه پس از میرزا غلام احمد نیز غالباً اهل علم و دانش و صاحب تألیفات متعدد بوده‌اند. در زمان حکیم نورالدین، نخستین خلیفه غلام احمد، سنگ بنای برخی نشریات و مطبوعات احمدیه از جمله «فضل»، «نور»، «حق» و «بیغام صلح» در قادیان، دهلی و لاهور نهاده شد. فصل الخطاب لمقدمة اهل الكتاب و حقائق الفرقان از جمله آثار اوست. دومین خلیفه نیز با ترجمه و چاپ قرآن کریم، گام دیگری در جهت نشر آراء احمدیه برداشت. مهم‌ترین تألیفات او عبارتند از: التفسیر الوسیط، التفسیر الکبیر (ده جلد)، حیات محمد (ص) و مریم ... تکسر الصلیب (۴۵)

میرزا ناصر احمد، سومین خلیفه احمدیه جز تداوم سیاستهای خلیفه سلف، کار مهمی از پیش نبرد. از جمله آثار او می‌توان به خطبات ناصر و مشعل راه (جلد دوم) اشاره کرد. اما چهارمین خلیفه، میرزا طاهر احمد، تحرک و پویایی مجددی به احمدیه داد؛ به نحوی که در دوران وی ترجمه و چاپ قرآن به ۵۱ زبان زنده دنیا انجام گرفت. سیره حضرت فضل عمر، القتل باسم الدین، حقیقة عقوبة الردة فی الاسلام، کارثة الخلیج و النظام العالمی الجدید، المسیحیة و رحلة من الحقایق السی الخیال، الاسلام و التحدیدات المعاصرة، خاتم النبیین ... المفهوم الحقیقی، زهق

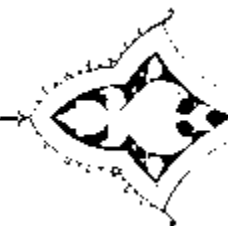
الباطل (مجموعه‌ای از خطبه‌های نماز جمعه)، احیاء الاسلام و ... از جمله آثار او است. (۴۶) میرزا مسرور احمد، خلیفه فعلی احمدیه نیز صاحب تألیفاتی نه چندان متعدد است که از آن جمله می‌توان به اسوة الرسول (ص) (مجموعه‌ای از خطبه‌های نماز جمعه) و مشعل راه (جلد پنجم) اشاره کرد.

ب) پایگاههای اطلاع‌رسانی و مجلات

مجموعه آثار میرزا غلام احمد شامل کتاب، رساله‌ها، اشعار و یادداشتهای وی در مجموعه‌ای به نام «روحانی خزائن» گرد آمده است. این مجموعه بیست و سه جلدی را به همراه سایر معتقدات و آثار نوشتاری، صوتی و تصویری جماعت اسلامی احمدیه می‌توان در پایگاه اینترنتی این فرقه به نشانی www.islamahmadiyya.net مشاهده نمود. علاوه بر این، دیدگاهها و مجموعه آثار انشعاب لاهور نیز در پایگاه اینترنتی این تشکل به نشانی www.aaiil.org قابل دسترسی است.

سایر پایگاههای اطلاع‌رسانی این فرقه را به تفصیل می‌توان در پایان مدخل احمدیه در دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا (نسخه انگلیسی) به نشانی en.wikipedia.org مشاهده نمود. علاوه بر آثار مذکور، احمدیه از یک شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای (MTA) و دهها روزنامه و مجله به زبانهای مختلف نیز بهره می‌برد که عناوین برخی از آنها عبارتند از: مجله «التقوی» (ماهنامه به زبان عربی)، مجله «البشری» (منتشر شده از دهه سی میلادی به زبان عربی)، مجله «مقارنة الأديان Review of Religions» (به زبان انگلیسی)، مجله «الرسالة Message» (به زبان فرانسه)، مجله «Der Islam» (به زبان آلمانی)، مجله «Sinar Islam» (به زبان اندونزیایی)، نشریه «الإسلام Al-Islam» (به زبان لهستانی)، روزنامه «الفضل» (به زبان اردو)، هفته‌نامه «الفضل» (هفته‌نامه بین‌المللی به زبان اردو) و هفته‌نامه «بدر» (به زبان اردو).

همچنین اداره دهها پایگاه اینترنتی به بیش از ۱۰ زبان زنده دنیا، به احمدیه کمک شایانی در ترویج و تبلیغ آراء و اعتقاداتشان نموده است. نکته حائز اهمیت در این میان آن است که این فرقه به دلیل عدم واکنش نسبت به سیاستهای استعماری و استکباری و بعضاً ضد حقوق بشر قدرتهای بزرگ و برخی دولتهای قدرتمند اروپایی، نه تنها با مشکلی در مسیر ترویج آموزه‌های خود مواجه نیست؛ بلکه حتی در اسرائیل نیز با انتشار مجله و تأسیس مرکز اسلامی در شهر حیفا به فعالیتهای ترویجی و تبلیغی خود مبادرت می‌ورزد.





۴) احمدیه در دوران معاصر

به علت غیرقانونی بودن فعالیتهای این فرقه در اغلب کشورهای اسلامی، آمار صحیحی از پیروان احمدیه در بیشتر کشورها وجود ندارد، اما جمعیت آنان در سراسر جهان بالغ بر ده میلیون نفر برآورد می‌شود که هسته اصلی اجتماع ۴ میلیون نفری آنان در پاکستان است. (۴۷) احمدیه در کشورهای هند، پاکستان و بنگلادش دارای شهرهایی است که به طور کامل در تصرف این گروه است و غیر احمدیه در آنها سکنی ندارند. علاوه بر آن، پیروان احمدیه در برخی از کشورهای اروپایی، امریکا، کانادا و چند کشور آفریقایی از جمله تانزانیا حضور پررنگی دارند و در اندونزی نیز آماری بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر از این فرقه ثبت شده است.

از زمان اخراج سومین خلیفه قادیانیه (میرزا نصیر احمد؛ ۱۹۰۹-۱۹۸۲م) از پاکستان، مرکز احمدیه به انگلستان منتقل شد و در حال حاضر نیز خلیفه پنجم احمدیه (میرزا مسرور احمد؛ ۱۹۵۰م) در لندن زندگی می‌کند. البته هنوز نیز بیشتر پیروان احمدیه در ربوه پاکستان و قادیان هندوستان به سر می‌برند. در پاکستان محدودیتهای زیادی برای احمدیه وجود دارد و پیروان آن حق انجام فعالیتهای مذهبی و برپایی مساجد خودشان را ندارند و از سوی عالمان شیعه و سنی، مورد طرد و تکفیر واقع شده‌اند. اما در هندوستان فعالیت احمدیه بدون هیچ‌گونه محدودیت و مشکلی، تداوم دارد و علاوه بر هند، در استرالیا نیز احمدیه

دارای مساجد و پیروان بسیار زیادی است که بیشتر آنها مهاجران هندی و پاکستانی هستند. عربستان سعودی نیز در شمار مخالفان سرسخت احمدیه است و برای پیروان این فرقه روایید سفر حج صادر نمی‌کند و از ورود آنان به اماکن مقدس اسلامی ممانعت به عمل می‌آورد. به دلیل حساسیتهای خاص مسلمانان نسبت به معتقدات این فرقه، هر از چندگاهی، خبری مبنی بر بروز خشونت علیه پیروان احمدیه در کشورهای مختلف منتشر می‌گردد. از جمله آنکه در آوریل ۲۰۰۸م، گروهی از اسلام‌گرایان تندرو در اندونزی، مسجدی متعلق به پیروان احمدیه را به آتش کشیدند و یک مدرسه مذهبی آنان را نیز ویران نمودند. (۴۸)

احمدیه در سرتاسر قلمرو فرهنگی تحت سیطره خود، اقدام به تأسیس مراکز فرهنگی، تبلیغی و خدماتی نموده و خصوصاً مراکز خیریه متعددی را در کشورهای آفریقایی تأسیس کرده است. بر طبق اعلام منابع رسمی این جنبش، تعداد شهرهایی که مراکز احمدیه در آنها مشغول به فعالیت هستند، بیش از ۱۷۰ شهر در سرتاسر دنیاست که علاوه بر این، صدها مرکز تابعه نیز در کشورهای مختلف دنیا تحت حمایت این فرقه اداره می‌شوند.

خدمات پزشکی و مراکز خیریه احمدیه، علی‌رغم محدودیتهای موجود در مسیر فعالیتهای آنان، به‌طور رایگان در مناطق محروم و فقیرنشین و جنگ‌زده ادامه دارد و در بیشتر نقاط آفریقا از جمله غنا، کنیا، سیرالئون،



گامبیا، ساحل عاج، لیبیا و اوگاندا که دستخوش اختلافهای فرقه‌ای و جنگهای قبیله‌ای و نژادی هستند، پایگاههای تبلیغی و خیریه احمدیه فعالانه پابرجا است. بیش از پنجاه سال است که احمدیه در این مناطق اقدام به تأسیس دهها مدرسه، بیمارستان و مسجد نموده است و از این طریق، سعی در ارائه تصویری بشر دوستانه از اسلام دارد. طبق آنچه پایگاههای رسمی احمدیه اعلام نموده‌اند، منابع مالی احمدیه صرفاً از طریق پیروان آن تأمین می‌گردد و از هیچ نهاد، مؤسسه، حکومت و یا شخص حقیقی و حقوقی غیر از احمدیه کمک مالی دریافت نمی‌نمایند.

از ابتدای پیدایش تاکنون، مخالفتهای عمده‌ای با اندیشه‌های فرقه احمدیه در کشورهای اسلامی صورت پذیرفته است. در سال ۱۹۴۳م از سوی تمام علمای مذاهب اسلامی در شبه قاره هند، فتوای تکفیر پیروان این فرقه صادر شد. در سال ۱۹۷۴م نیز ضمن کنفرانس بزرگی در مکه مکرمه که با حضور علمای مذاهب و فرق اسلامی برگزار گردید، علاوه بر تکفیر احمدیه، وجود آنان را خطر بزرگی برای اسلام دانستند و از مسلمانان خواستند که از دفن مردگان پیروان این فرقه در قبرستانهای مسلمانان ممانعت به عمل آورند. علاوه بر این، در ادامه اقدام سال ۱۹۷۴م مجلس پاکستان در غیرمسلمان دانستن پیروان احمدیه، در آوریل ۱۹۸۴م، رئیس جمهور پاکستان، ضیاء الحق، در فرمانی برگزاری آداب مذهبی احمدیه را مجرمانه اعلام کرد. طبق این فرمان، آنان مجاز نبودند که خود را مسلمان بنامند و از تعبیر اسلامی برای تسمیه عبادتها و مکانهای دینی خود استفاده نمایند. مجازات هر یک از این موارد، سه سال زندان به همراه پرداخت جریمه بود. (۴۹)

علاوه بر این اقدامات، فتوهای متعددی از سوی علما و تشکلهای دینی کشورهای اسلامی در رد عقاید فرقه احمدیه صادر شده است که از آن جمله می‌توان به فتوهای مجمع فقه اسلامی اشاره کرد. در پی این مخالفتها، امروزه حوزه اصلی فعالیتهای این فرقه در اروپا، امریکا و آفریقا متمرکز است.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج به دست آمده از این نوشتار را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱. احمدیه یکی از فرق منسوب به اسلام در قرن نوزدهم میلادی است که مبتنی بر نوع خاصی از پیامبرشناسی قوام یافته است. پیروان این فرقه، برای مؤسس خود، شأن پیامبرانه و مسیحایی قائلند.

۲. احمدیه در چهار موضوع اصلی جهاد، مهدویت، مسیح‌شناسی و اعتقاد به نبوت غلام احمد قادیانی با موضع سایر مسلمانان اختلافهای جدی دارد.

۳. سایر فرق اسلامی، معتقدات احمدیه را خارج از چارچوب احکام و ضوابط اسلام می‌دانند و متقابلاً این فرقه نیز نسبت به برخی معتقدات سایر انشعابات اسلامی، چنین نگرشی دارد.

۴. سردمداران این فرقه معتقدند: احکام جهاد در اسلام مربوط به دوران ضعف مسلمانان است و در حال حاضر که اسلام و مسلمانان در وضعیت مطلوبی قرار دارند، استناد و عمل به این احکام موجب خدشه‌دار شدن سیمای بشر دوستانه اسلام خواهد شد.

۵. با نظر به اینکه غلام احمد بارها حمایت صریح خود را از دولت استعماری انگلیس ابراز نموده و در مواضعی خود را تحت حمایت انگلیس دانسته است و نیز به علت سکونت بیشتر خلفای احمدیه در سرزمینهای غربی، سایر فرق و انشعابات اسلامی، احمدیه را دست نشانده و جیره‌خوار غرب و صهیونیسم می‌دانند و در بیشتر کشورهای اسلامی به آنها اجازه تبلیغ و فعالیت داده نمی‌شود.

۶. احمدیه فعالیتهای تبلیغی وسیعی در کشورهای فقیر و جنگ‌زده و عمدتاً آفریقایی سامان داده است که از آن جمله می‌توان به غنا، سیرالئون و اوگاندا اشاره کرد.

۷. احمدیه انشعابی تشکیلاتی و فرقه‌ای با زیرساختهای نظام‌مند و دارای سلسله مراتب سازمانی است که هر عضو فرقه با توجه به توانایی‌ها و استعداد خود در یکی از شاخه‌های آن به کار گرفته می‌شود.

۸. منابع مالی احمدیه توسط اعضا، هواداران و پیروان این فرقه تأمین می‌شود و سردمداران آن دریافت هر گونه کمک مالی از سوی دولتها و یا افراد حقیقی و حقوقی خارج از این تشکیلات را نفی می‌کنند.

برای مطالعه بیشتر

- برای مطالعه بیشتر درباره مختصات سیاسی، اجتماعی و اعتقادی این فرقه می‌توان از منابع زیر بهره جست:
- احمد، بشیرالدین محمود، *احمدیه یا اسلام حقیقی (Ahmadiyyat or the True Islam)*، واشنگتن دی‌سی، ۱۹۵۷م (در این اثر می‌توان با اندیشه‌های بشیرالدین محمود احمد آشنا شد).
- بروش، استنلی، «احمدیه در پاکستان (Ahmadiyyat in Pakistan)»، مجله جهان مسلمان، شماره ۴۵ (آوریل ۱۹۵۵م)، صص ۱۴۵-۱۷۱ (این مقاله حاوی گفتگویی با میرزا بشیرالدین و توصیفات از شهر جدید ربوه است).
- جمعی از علمای پاکستان، *موقف الامة الاسلامية من القاديانية*، بیروت، دار قتیبة، ۱۹۹۱م.
- زاهدی، صباح‌الدین، *القاديانية و خطرهما على الاسلام*، مؤسسه الرسالة، ۱۹۹۱م.
- السامرابی، عبدالله سلوم، *القاديانية و الاستعمار الانجليزى*، بغداد، وزارة الثقافة و الاعلام، ۱۹۸۱م.
- الطالقانی، سید محمدحسن، *القاديانية*، بیروت، الغدير، ۱۴۲۰ق.
- ظهیر، احسان الهی، *القاديانية*، لاهور، دراسات و تحليل، ادارة ترجمان السنة، ۱۴۰۴ق.
- غلام احمد، *فلسفه و تعالیم [اصول] اسلام (The Philosophy and the Teaching of Islam)*، لندن، ۱۹۷۹م.
- فیشر، هامفری. جی، *احمدیه؛ تحقیقی درباره اسلام معاصر در غرب آفریقا (Ahmadiyyah: A Study in Contemporary Islam on the West African Coast)*، لندن، ۱۹۶۳م (این اثر به اقدامات انجام شده توسط احمدیه در آفریقا می‌پردازد).
- گزارش کمیسیون تحقیقی که مطابق قانون پنجاب در سال ۱۹۵۴م به منظور تحقیق و بررسی آشوبهای سال ۱۹۵۳م تشکیل شد. لاهور، ۱۹۵۴م (این اثر بررسی رسمی ارزشمندی است که به روند پیچیده تبدیل یک نزاع عقیدتی به یک درگیری سیاسی می‌پردازد).
- لاونت، اسپنسر، *نهضت احمدیه؛ تاریخ و چشم‌انداز (The Ahmadiyah Movement: A History and Perspective)*، دهلی نو، ۱۹۷۴م (این اثر حاوی مطالعات انتقادی جدید و یک تاریخچه ممتاز مربوط به این فرقه است).
- مدخل احمدیه در *دایرة المعارف جهان اسلام معاصر* (انتشارات آکسفورد).
- مدخل احمدیه در *دانشنامه ایران و اسلام* (بنگاه ترجمه و نشر کتاب).
- مدخل احمدیه در *دایرة المعارف الاسلامیة* (دارالمعرفة بیروت).
- مدخل احمدیه در *دانشنامه آزاد ویکی پدیا* (نسخه انگلیسی و عربی).
- مودودی، ابوالعلی، *ما هی القاديانية*، لاهور، دارالقلم، ۱۳۸۸ق.
- میرزا غلام احمد، *حقیقت اسلام*، تهران، فردوسی، ۱۳۲۸ش.
- میرزا طاهر احمد، *القتل باسم الدین*، ترجمه محمد حلمی شافعی، اسلام آباد، الشركة الاسلامیة، ۱۹۹۰م.
- میرزا بشیرالدین محمود احمد، *دعوة الامیر (به زبان فارسی)*، پاکستان، ۱۹۲۳م.
- میرزا بشیرالدین محمود احمد، *دیباچه تفسیر القرآن*، اسلام آباد، الشركة الاسلامیة، ۱۹۹۲م.
- ندوی، ابوالحسن علی، *القاديانى و القاديانية*، بیروت، دار این کثیر، ۱۴۲۱ق.
- والترز، آج، ای، *نهضت احمدیه (The Ahmadiya Movement)*، لندن، ۱۹۱۸م (این کتاب نخستین تاریخ و ارزیابی مبتنی بر اطلاعات معاصر تشکیل این فرقه است).
- مجله نقد و بررسی ادیان (*The Review of Religions*)، این ماهنامه از سال ۱۹۰۲م در قادیان شروع به انتشار نمود. این مجله انگلیسی زبان ابتدا در هند و سپس پاکستان نشر یافت و اکنون در اروپا و آمریکا منتشر می‌شود.



۱. ویشنو (visnu) در آیین هندو، خدای زندگی و حافظ کل موجودات است. هندوان او را مظهر مهر و محبت می‌دانند و معتقدند که وی صاحب ده تجلی است که نه بار آن به وقوع پیوسته است و تجلی دهم در پایان عصر تاریکی (که عصر کنونی است) رخ خواهد داد. او با ظهور خود، بدکاران و نیکوکاران را به مجازات و پاداش اعمال خود خواهد رساند و آداب و رسمی نیکو در جهان برقرار خواهد نمود (نک: ادیان و مکتبهای فلسفی هند، ج ۱، صص ۲۶۵-۲۷۴).
۲. مهم‌ترین آثاری که تاکنون در این باره نگاشته شده است عبارتند از:
- الف) مقاله «قادیانیه» نگاشته مهدی فرمانیان منتشر شده در شماره ۱۷ فصلنامه هفت آسمان (بهار ۱۳۸۲ش)؛ این مقاله حاوی مقدمه‌ای اجمالی از مؤلف درباره تاریخچه و رؤس معتقدات فرقه قادیانیه، همراه با ترجمه مدخل احمدیه در دایرة المعارف جهان اسلام معاصر از انتشارات دانشگاه آکسفورد است. مقاله مذکور علی‌رغم اطلاعات اجمالی و ارجاعات مفیدی که در آن مندرج است، فارغ از ارجاع مستقیم به آثار اصلی میرزا غلام احمد قادیانی، به رشته تحریر درآمده و بنا به تصریح مترجم، متن مدخل احمدیه در دایرة المعارف جهان اسلام معاصر کاملاً جانبدارانه نوشته شده و به نقدهای جدی علمای مذاهب اسلامی به معتقدات این فرقه و ناسازگاری درونی باورهای آنان پرداخته است.
- ب) مقاله «فرقه احمدیه» نگاشته اسماعیل آذری نژاد منتشر شده در شماره ۵۰ مجله تخصصی کلام اسلامی (تایستان ۱۳۸۳ش)؛ این مقاله علی‌رغم مراجعه به روحانی خزائن، منبع اصلی معتقدات بنیان‌گذار فرقه احمدیه، به نحوی کاملاً مختصر و فهرست‌وار به بررسی مواضع فکری، اجتماعی و تبلیغی این فرقه می‌پردازد و بر این اساس، از توضیح دقیق و تبیین کامل بسیاری از موضوعات مندرج در این مقاله، باز می‌ماند.
- علاوه بر دو مورد پیشین، بخش مربوط به فرقه قادیانیه در کتاب آشنایی با فرق تسنن که از سوی انجمن علمی ادیان و مذاهب حوزه علمیه قم و به اهتمام مهدی فرمانیان گردآوری شده است و همین بخش در کتاب فرق تسنن (نشر ادیان و به اهتمام مهدی فرمانیان) نیز به روشی دایرة المعارفی و به اختصار به بحث در باب تاریخ و معتقدات
- این فرق پرداخته‌اند.
۳. وی این کتاب را در اثبات فضل اسلام، اعجاز قرآن و نبوت پیامبر و رد آیین مسیحیت، هندو و برهما تألیف نمود. جزء پنجم این اثر نیز در سال ۱۹۰۵م، توسط غلام احمد نوشته شد که این بخش در جلد ۲۱ مجموعه «روحانی خزائن» به چاپ رسیده است.
4. *Encyclopedia of Religion, Ahmadiyah, Voll, p.154.*
۵. کاریزما (Charisma) را به فارسی، فره معنا کرده‌اند، حال آنکه درج معادلی تک‌واژه‌ای در برگردان این اصطلاح به فارسی چندان گویا نخواهد بود. «فر» در فرهنگ دینی ایران باستان و در اوستا، فروغی است ایزدی که به دل و جان هرکس بتابد، از هموعان خود برتری می‌یابد. به واسطه این فروغ، فرد به پادشاهی، پیروزی و کامیابی می‌رسد. علاوه بر این به واسطه نیروی معنوی این نور، کمالات روحانی و نفسانی برای فرد به ارمغان می‌آید و به پیامبری برگزیده می‌شود.
- از سوی دیگر، کاریزما یکی از واژگان کلیدی جامعه‌شناسی دین ماکس وبر است. وی این اصطلاح را به قدرتها و نیروهای فوق العاده در ذات اشیاء، رفتارها یا اشخاص اطلاق می‌کند. کاریزما صفت هیبت، قدرت و توانایی جادویی است که پیروان کسی در او می‌یابند و معمولاً خصلت ریشه‌ای و انقلابی دارد و با سنت مخالف است. کاریزما هم می‌تواند ذاتی باشد و هم اکتسابی. نوع اکتسابی آن معمولاً در نتیجه اشتغال به عملکردهای خارق العاده یا دیدن نوعی تجربه خارق العاده به دست می‌آید. این نیرو ممکن است از طریق عملکردهای بسیار زاهدانه و تأملات صوفیانه مدید و یا به واسطه حالات ذهنی خاص نظیر خلسه یا تسخیر ارواح حاصل آید (جامعه‌شناسی دین، محمدجواد شمس (جزوه درسی) به نقل از: Weber, Max, *The Types Of Authority Theories of society*, ed Talcott Persons, New York, 1965.
۶. نک: دیباچه تفسیر القرآن، ص ۵۹۲.
7. *Encyclopedia of Religion, Voll, p.154.*
۸. نک: دیباچه تفسیر القرآن، ص ۵۹۲.
9. *Encyclopedia of Religion, Voll, p.155.*
۱۰. نک: دیباچه تفسیر القرآن، صص ۵۹۲ و ۵۹۳.
۱۱. همان، ص ۵۹۳.



۱۲. نک: تاریخ تفکر اسلامی در هند، ص ۴۹.
13. *Encyclopedia of Religion*, Vol1, p.154.
۱۴. «لولا خوف سيف الدولة البريطانية لتقتلوني بالسيوف و الاسنة ولكن الله منعهم بتوسط هذه الدولة المحسنة فنشكر الله و نشكر هذه الدولة التي جعلها الله سب نجاتنا من ايدي الظالمين. انها حفظت اعراضنا و نفوسنا و اموالنا من الناهيين و كيف لا نشكر و انا نعيش تحت هذه السلطنة بالامن و فراغ البال و نجينا من انواع النكال و صار نزولها لنا نزول العز و البركة و نلنا غاية رجاءنا من امن الدنيا و العاقبة. فوجبت اطاعتها و دعاء اقبالها و سلامتها بصدق النية. انها ما اسرتنا بايدى السطوة بل جعل قلوبنا اسارى بايدى المنة و النعمة فوجب شكرها و شكر ميرتها و وجب طاعتها و طاعة حقدتها. اللهم اجز منا هذه الملكة المعظمة و احفظها بدولتها و عزتها - يا ارحم الراحمين، أمين» (روحانی خزائن، ج ۱۴، حقیقت المهدی، صص ۴۷۱ و ۴۷۲).
۱۵. روحانی خزائن، ج ۳، ازالة اوهام، ص ۵۶۱.
16. *Encyclopedia of Religion*, Vol1, p.155.
۱۷. www.islamahmadiyya.net (ملامح الجماعة الإسلامية الأحمديّة / شروط الانضمام إلى الجماعة الإسلامية الأحمديّة التي وضعها مؤسسها) به نقل از: اعلان «تكميل التبليغ» فی كانون الثاني ۱۸۸۹م، مجموعة الاعلانات، ج ۱، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.
۱۸. روحانی خزائن، ج ۵، مرآة کمالات الاسلام، صص ۴۲۶-۴۲۲؛ ج ۲۲، الاستفتاء، ص ۶۴۱.
۱۹. خلیفه دوم احمدی نیز در دیباچه تفسیر القرآن به صراحت، شریعت اسلام را شریعت خاتم می داند و معتقد است: قوانین روحی کامل بر پیامبر اکرم نازل شده است و هیچ پیامبری پس از او نخواهد آمد که شریعت جدیدی بیاورد و هیچ کتابی نخواهد آمد که قرآن را منسوخ نماید و حاکمیت عالم روحی تا آخرالزمان با قرآن کریم و پیامبر اکرم خواهد بود (نک: دیباچه تفسیر القرآن، ص ۵۸۹).
۲۰. محی الدین بن عربی و متابعان او در عرفان نظری همگی این رده بندی را رعایت می کنند (نک: شرح فصوص الحکم قیصری، فص عزیریه، صص ۸۳۴-۸۳۷).
۲۱. هزار و یک نکته، صص ۱۸۲ و ۱۸۳.
۲۲. مثنوی معنوی، دفتر چهارم، ابیات ۱۸۵۱-۱۸۵۵.
۲۳. دیدگاههای غلام احمد را در باب مفهوم ختم نبوت بنگرید در: روحانی خزائن، ج ۲۰، التجلیات الالهیه، صص ۴۱۱ و ۴۱۲؛ ج ۲۲، الاستفتاء، صص ۶۸۸ و ۶۸۹؛ ج ۱۹،
- رسالة مواهب الرحمن، صص ۲۸۵-۲۸۷؛ ج ۲۳، چشمه معرفت، ص ۳۸۰.
۲۴. روحانی خزائن، ج ۱۴، حقیقت المهدی، ص ۴۵۴.
۲۵. نک: همان، ص ۴۵۵.
۲۶. نک: همان، ص ۴۵۷.
۲۷. القتل باسم الدین، ص ۱۳۱.
۲۸. نک: همان، صص ۱۳۱-۱۴۱.
۲۹. نک: روحانی خزائن، ج ۱۹، رسالة مواهب الرحمن، صص ۲۹۷-۳۰۱.
۳۰. نک: همان.
۳۱. البته بخشی از این نوع نگرش شاذ در میان برخی از صاحب نظران مسلمان نیز بی سابقه نبوده و حتی برخی از بزرگان حکمت و معرفت شیعه نیز مواضعی مشابه را در این باب اتخاذ نموده اند. به عنوان نمونه، آیت الله شاه آبادی - استناد عرفان امام خمینی (ره) - در باب مرگ عیسی (ع) در رشحات المعارف می نویسد: «... در قرآن دلیل صریح بر موت او آمده است. ... فرق ما با حضرات مسیحیان این است که ما می گوئیم عیسی را خدا قبض روح کرد ولی آنها می گویند عیسی را یهودیان به دار آویختند و عقیده ما صریح آیات قرآن است. ... و این دلیل نمی شود بر اینکه عیسی را خدا نمیرانده باشد. می فرماید او را نکشتند و به دار نیاویختند ولی برای آنان مشتبه شد. به دار نیاویختن آنان و نکشتن یهودیان عیسی را دلیل بر نمردن حضرت عیسی نمی شود» (رشحات المعارف، صص ۷۸ و ۷۹). شیخ محمود شلتوت نیز در میان اهل سنت، از قائلان این نظر است (نک: پویازاده، اعظم، «تصلیب مسیح»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۵، زمستان ۱۳۷۶ ش).
۳۲. نک: روحانی خزائن، ج ۱۴، حقیقت المهدی، صص ۴۵۷ و ۴۵۸.
۳۳. نک: «قادیانیه»، ص ۱۷۱.
34. *Encyclopedia of Religion*, Vol1, p.154.
۳۵. نک: دیباچه تفسیر القرآن، ص ۵۹۰.
۳۶. نک: روحانی خزائن، ج ۱۴، حقیقت المهدی، ص ۴۵۵.
۳۷. همان، ص ۴۵۶.
۳۸. همان، صص ۴۵۵ و ۴۵۶.
۳۹. همان، صص ۴۶۰ و ۴۶۱.
۴۰. همان، صص ۴۶۱-۴۶۳.
۴۱. همان، صص ۴۷۰ و ۴۷۱؛ «... إني انا المسيح المهدی من رب الارباب و ما جئت للمحاربات و ما امرني ربی



پیشرفت و تثبیت را در زمینه‌های مختلف پشت سر گذاشت. در این دوران نظام خلافت احمدیه وضع شد و ترجمه انگلیسی قرآن به پایان رسید. اولین بعثه تبشیری اسلامی و طرح توسعه مسجدالاقصی و مدرسه عالی تعلیمات اسلامی و مجموعه‌های مسکونی احمدیه نیز از دستاوردهای دوره خلافت وی بوده است. چند بیمارستان، مسجد و مجله نیز در این دوران به بهره‌برداری رسید.

۴۶. اولین مسجد احمدی در اسپانیا بعد از حدود ۵۰۰ سال که از شکست اسلام در اروپا می‌گذشت به نام مسجد بشارات در زمان میرزا طاهر احمد افتتاح شد و وی در حالی در سال ۱۹۸۳م وفات یافت که مراکز جهت تبلیغ احمدیه در استرالیا و سریلانکا پایه‌گذاری کرده بود.

47. *Encyclopedia of Religion*, Vol1, p.153.

۴۸. نک:

news/newside - 7371000/7371713.stm
www.news.bbc.co.uk/hi/Arabic/word

۴۹. نک: «قادیانیه»، ص ۱۷۰.

للغرة... إني جئت على قدم ابن مريم لادعوا الناس إلى مكارم الاخلاق و إلى رب اكرم و ارحم و لا أرى حاجة إلى سل السيوف من اجفانها بل هي عار لملة احاطت البلاد بلمعانها، نعم حاجة إلى برى الاقلام لجولانها لتنجي الناس من الضلالات و طوفانها؛ روحانی خزائن، ج ۱۸، اعجاز المسيح، صص ۷-۹؛ ج ۲۲، الاستفتاء، ص ۶۴۱.

۴۲. جهت بررسی بیشتر این موارد نک: «قادیانیه»، صص ۱۶۳-۱۶۶.

۴۳. universalism. در حوزه مباحث مربوط به الهیات، نظریه و باوری وجود دارد که مدعی است شادمانی، امنیت و رستگاری برای همه مردم جهان در آینده به ارمغان خواهد آمد. نک: ذیل این واژه در:

Webster's Revised Unabridged Dictionary, © 1996, 1998 MICRA, Inc و The American Heritage® Dictionary of the English Language, Fourth Edition, 2006 by Houghton Mifflin Company.

44. *Encyclopedia of Religion*, Vol1, p.154.

۴۵. احمدیه در روزگار وی (۱۹۱۴-۱۹۶۵م) دوران

کتابنامه

۱. احمد، عزیز، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران، علمی فرهنگی و کیهان، ۱۳۸۶ش.
۲. احمد، میرزا طاهر، القتل باسم‌الدین، برگردان از انگلیسی: محمد حلمی الشافعی، چاپ اول، اسلام‌آباد، الشركة الاسلامیه، ۱۹۹۰م.
۳. حسن‌زاده آملی، حسن، هزار و یک نکته، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲ش.
۴. شاه‌آبادی، میرزا محمدعلی، رشحات المعارف، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۵. شایگان، داریوش، ادیان و مکتبهای فلسفی هند، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵ش.
۶. شمس، محمدجواد، جامعه‌شناسی دین (جزوه درسی).
۷. فرمانیان، مهدی، «قادیانیه»، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۲ش.
۸. قادیانی، غلام احمد بن غلام مرتضی، روحانی خزائن، Nazarat Isha'at Rabwah Pakistan، بی‌تا.
۹. قیصری، محمدداود، شرح فصوص الحکم، تصحیح: سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش.
۱۰. محمود احمد، میرزا بشیرالدین، دیباچه تفسیر القرآن، اسلام‌آباد، الشركة الاسلامیه، ۱۹۹۲م.
۱۱. مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی (نسخه قونیه)، تصحیح: قوام‌الدین خرمشاهی، تهران، دوستان، ۱۳۸۰ش.

12. Eliade, Mircea, *The Encyclopedia Of Religion*, New York, Macmillan, 1987.

